

تحلیلی از اشتغال زنان و آثار و پیامدهای آن بر خانواده

عزت غلامی*

الهه محمدیان**

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۲

چکیده

ورود گسترده زنان در سال‌های اخیر به عرصه اشتغال، بازتاب‌های منفی و مثبتی را به دنبال داشته است. از آنجایی که زنان عنصر و عضو کلیدی هر خانواده محسوب می‌شوند؛ بنابراین این اثرات به صورت مستقیم و غیرمستقیم متوجه کانون خانواده می‌شود. در این میان، بیشترین تأثیر بر روی همسر و فرزندان آن خانواده است. زن به عنوان همسر و مادر در خانواده مسئول است. این مسئولیت گاه از سوی قانون و گاه شرع و عرف تعریف می‌شود و زن را در چارچوب این وظایف و مسئولیت‌ها، مجاز به انتخاب شغل می‌کند.

در دین اسلام، علی‌رغم اینکه جواز اشتغال زن صادر شده، ولی اولویت اول هر زنی انجام وظایف همسری و مادری قید شده است. نواقص و کاستی‌هایی که در عرصه اشتغال زنان وجود دارد، مشکلاتی را به بار می‌آورد. این مقاله، به شیوه توصیفی-تحلیلی در نظر دارد آسیب‌های اشتغال زنان را بررسی کند.

کلیدواژه‌ها: اشتغال، خانواده، زنان، مادری، همسری.

* دانش پژوه مدرسه تخصصی سطح چهار تفسیر تطبیقی

شهرضا.azam.gholami@gmail.com

** دانش آموخته مدرسه تخصصی سطح سه شهرضا / shfyyl@gmail.com



مقدمه

جهان امروز سیر هزاران ساله‌ای را برای رسیدن به تمدن جدید گذرانده است و این سیر همچنان ادامه دارد. کشور ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست و تلاش می‌کند تا همگام با کشورهای پیشرفته، برای رسیدن به تمدن‌های جدید حرکت کند. از مهم‌ترین آنها حرکت زن از خانه و دستیابی وی به بازار اشتغال است. در اغلب شهرهای بزرگ ایران، همگام با دسترسی بیشتر زنان به سازمان‌های آموزشی (مدارس و دانشگاه‌ها)، گرایش آنان به اشتغال چشمگیر بوده است. افزایش تعداد زنان شاغل و به تبع آن، افزایش تعداد مادران شاغل از جمله عواملی است که در تغییر ساختارهای ارزشی جامعه و حرکت از یک نظام سنتی، به جامعه با معیارهای نوین به چشم می‌خورد.

مهم‌ترین مسئله‌ای که موجب می‌شود زنان به اشتغال روی آورند، موضوع درآمدزایی است. درآمد زن گاهی کشتی نجات خانواده است و برای بقای خانواده اهمیت بسیار دارد. اما گرایش زنان به کار خارج از منزل، تدریجاً از امر اقتصادی فراتر رفته و به امری فرهنگی تبدیل شده است. بر این اساس، زنان که رکن اساسی جامعه و خانواده محسوب می‌شوند و نیمی از پیکره هراجماع را تشکیل می‌دهند و از آنجاکه زن ضریبان حیات خانواده است و قلب جامعه در سینه خانواده می‌تپد، از این رو صعود یا سقوط هر جامعه‌ای را باید به چگونگی شخصیت زنان و جایگاه اجتماعی آنان نسبت داد. می‌توان گفت: با رفتن زنان از خانه و اشتغال آنان، اصول زندگی سنتی درهم شکسته شد که این امر تأثیر بسزایی بر محیط خانواده، به خصوص بر روابط خانوادگی زن و شوهر، زن و فرزندان داشته است؛ زیرا غیبت و عدم حضور مادر و خستگی ناشی از اشتغال او قطعاً بر تربیت فرزندان تأثیر





می‌گذارد. علاوه بر این، پیامدهایی از قبیل جدایی از خانه، تأثیر منفی بر فرزندخواهی، دوری از فرزند، حضور در محیط‌های کاری مختلط، انتقال خستگی ناشی از کار به کانون آرام خانواده، پیامدهای روحی و روانی اشتغال بر زنان شاغل و نیز بسیاری آثار دیگر را هم باید در نظر گرفت. احساس استقلال زنان، گاهی منجر به بروز مشکلات در خانواده شده که به تبع آن، موجب می‌شود زنان مسئولیت‌های همسری و مادری خود را در خانواده انجام ندهند. بنابراین، انقلابی را که اشتغال زنان در بسیاری از ارکان جامعه به وجود آوردند و بیشترین تأثیر را بر ساختار خانواده گذاشت، در همه زمینه‌ها محاسن و معایبی را به دنبال داشته است. از این رو، هدف اصلی این تحقیق این است که اشتغال زنان چه تأثیری بر ساختار خانواده و به طور خاص، روابط زن و شوهری و روابط مادر و فرزندی گذاشته است. در این پژوهش مراد از «خانواده»، گروهی است که رابطه تمامی اعضای آن با یکدیگر بر محور ازدواج یا زاد و ولد به وجود آمده باشد، اعم از اینکه زوجین یا یکی از آنها در قید حیات باشند یا نباشند. فرزندخواندگی نیز در شمول این تعریف قرار می‌گیرد. خانواده، عبارت است از تعدادی از افراد که پیوندهای نسبی، سببی و هم‌خونی داشته باشند (معین، ص ۵۳۱). مراد از شغل نیز نوع کاری است که توسط شخص در طول زمان معین انجام می‌شود یا انجام آن را برعهده دارد. در اینجا مراد کاری که به صورت منظم و بیرون از محیط خانه انجام پذیرفته و درآمد معینی به آن اختصاص می‌یابد و این درآمد متعلق به زن است (مدرس، ۱۳۷۵، ص ۱۵۵).

در این زمینه، آثاری منتشر شده است که به برخی اشاره می‌کنیم:

۱. کتاب زنان کارمند، نوشته مجیدی همایونی: در این اثر، نویسنده به فواید



اشتغال زنان در حوزه اقتصاد کشور و کم شدن فقر اشاره کرده‌اند و معایب اشتغال را کمتر بیان کرده‌اند.

۲. مقاله آسیب‌های روحی زنان در بستر اشتغال، نوشته رضا عبدالکریم: در این مقاله آسیب‌های اشتغال زنان بر جسم و روح زنان مورد بررسی قرار گرفته است.

۳. مقاله انگیزه اشتغال زنان، نوشته زهرا کاووسی: در این مقاله نویسنده انگیزه زنان را استقلال در زندگی دانسته و میزان آمار طلاق در بین زنان کارمند را کمتر از زنان خانه‌دار عنوان نموده است.

وجه تمایز این مقاله این است که اشتغال زنان در اسلام و در قرآن و روایات و سیره نبوی بیان شده و فواید و آسیب‌های اشتغال زنان را مورد بررسی قرار داده است.

اشتغال زنان از نظر اسلام

ادله اشتغال زنان در قرآن

در دیدگاه اسلام، نهاد خانواده هسته اصلی جامعه به شمار می‌رود و سلامت و ارتقای جامعه، در گرو خانواده‌های سالم، پویا و آرام دانسته می‌شود. در همین راستا، زن به جهت توانایی‌های طبیعی و فطری خود، محور اصلی خانواده محسوب می‌شود و جایگاه خاصی در امر تولید و تربیت نسل‌های آینده دارد. بر همین اساس، در نظر اسلام، زن باید بدون داشتن دغدغه‌های مالی و اجتماعی، با فراغ‌بال و آرامش، مدیریت داخلی خانواده را انجام دهد و مرد موظف است تمامی نیازها و حاجات اقتصادی خانواده را تأمین کند. بنابراین، زن به واسطه نقش مؤثری که در نیل به اهداف خانواده دارد، از حمایت‌های مالی ویژه‌ای، چون



نفقه، مهریه، اجرت شیردهی و اجرت المثل کارهای منزل برخوردار است. با نگاهی به قرآن کریم و منابع روایی و تاریخی درمی یابیم که اشتغال زنان به معنای کار درآمدزا به خودی خود هیچ ممنوعیتی در اسلام ندارد، بلکه به عنوان یک واقعیت، مفروض گرفته شده است. زنان مسلمان در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام در مشاغل گوناگونی همچون تجارت، خرمافروشی، صنایع دستی، ریسندگی، بافندگی، آرایشگری، خدمات خانگی، پرستاری، حضانت، اجاره املاک، چوپانی، عطر فروشی، تولید مواد خوشبوکننده و... به عنوان کار درآمدزا، به فعالیت می پرداخته اند و به استثنای مشاغل فسادانگیزی مثل روسپی گری و آوازخوانی در مجالس گناه، هیچ مخالفتی با اشتغال زنان صورت نگرفته است، هرچند توصیه یا تشویق خاصی نیز نسبت به اشتغال زنان در متون دینی مشاهده نمی شود. پس می توان حکم اولی اشتغال زن در اسلام را جواز آن دانست، گرچه با ملاحظه قیود خاصی، ممکن است احکام دیگری مثل کراهت یا استحباب به عنوان ثانوی برای آن ثابت شود (مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران، ۱۳۷۹، ص ۳۵).

در توضیح وجه کراهت اشتغال زنان، می توان این واقعیت تاریخی را بیان کرد که اسلام با الگوی تقسیم کار جنسیتی، که در جامعه صدر اسلام حاکم بوده، مخالفتی نداشته است، بلکه می توان گفت: احکام الزامی یا اولویت های دین در تثبیت این الگو نقش مؤثری داشته اند. از یک سو، اسلام نفقه زن را بر شوهر واجب کرده و زنان را از مسئولیت اقتصادی در برابر خانواده معاف کرده است. از سوی دیگر، اهتمام اسلام به کاهش اختلاط جنسی در سطح جامعه و تأکید بر نقش مادری - همسری زنان، زمینه فرهنگی مناسب را برای تقسیم کار



جنسیتی فراهم کرده است، به این صورت که زنان عمدتاً به سوی فعالیت‌های مربوط به خانه‌داری سوق داده شده و مردان مشاغل بیرون از خانه را به عهده گرفته‌اند؛ زیرا اسلام اشتغال زنان را نه به خودی خود، بلکه در فرضی که به مصالح مهم‌تر، به ویژه ایفای نقش مادری و همسری و حفظ پاک‌دامن و سلامت اخلاقی جامعه آسیب برساند، ناپسند شمرده است (مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ص ۱۳۸).

از سوی دیگر، در آیات متعدد در مورد حق مالکیت زنان به صراحت سخن به میان آمده و نسبت به پایمال شدن این حق هشدار داده است. قرآن کریم در مخالفت با بسیاری از نظام‌های حقوقی شناخته شده، مالکیت زنان را به رسمیت شناخته و اعلام نموده که: «للرجال نصیب مما اكتسبوا وللنساء نصیب مما اكتسبن» (نساء: ۸۷)؛ برای مردان از آنچه کسب کرده‌اند، بهره‌ای است و برای زنان از آن چه کسب کرده‌اند، بهره‌ای است؛ یعنی همان‌گونه که مردان اگر چیزی به دست آوردند، مالک آن می‌شوند، زنان نیز اگر مالی به دست آورند، مالک آن خواهند بود.

این بیان، افزون بر پذیرش حق مالکیت برای زنان، جواز اشتغال و اجازه کار برای آنان را همانند مردان اثبات می‌کند؛ زیرا در این آیه کریمه، حلال بودن اکتساب یعنی تحصیل درآمد مفروض گرفته شده و سپس پیرامون مالکیت درآمد حاصل از آن، اظهار نظر شده است. همچنین مهریه را ملک شخصی زن معرفی کرده و جواز استفاده شوهر از آن را مشروط به رضایت زن دانسته است، آنجا که می‌فرماید: «و مهر زنان را در کمال رضایت و طیب خاطر به آنها بپردازید، پس اگر چیزی از مهر خود را از روی رضا و خشنودی به شما بخشیدند، برخوردار شوید که آن شما را حلال و گوارا خواهد بود» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۱۳۴).



البته باید توجه داشت که اولویت و ارزشمندی حضور زنان در امور خانواده است و اشتغال به طور کلی، در مرتبه دوم قرار می‌گیرد که پس از انجام مسئولیت‌های خانوادگی مطلوبیت می‌یابد. بنابراین، در تعالیم اسلامی منعی برای اشتغال زن نیست. اسلام حقوق زن و مرد را در کار و تلاش به رسمیت می‌شناسد و تفاوتی بین ایشان قایل نیست. زن مسلمان با حفظ هویت اسلامی خود هیچ‌گونه منعی برای اشتغال ندارد (حویزی، ۱۳۸۲، ج ۴، ص ۲۹۴).

از این رو، در قانون اساسی تأمین حقوق همه‌جانبه افراد، اعم از زنان و مردان، از وظایف دولت جمهوری اسلامی است. بخشی از این حقوق، به شغل زنان برمی‌گردد؛ یعنی اینکه زنان حق دارند همانند مردان، از شغل برخوردار باشند:

هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید (شاطر جبی، ۱۳۸۹، ص ۹۵).

همچنین در آیه دیگری نیز آمده است: «فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا فَعَلْنَ فِی أَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (بقره: ۲۳۴)؛ باکی بر شما نیست، در آن اموری که زنان در رابطه با خود و از روی معروف انجام می‌دهند. اطلاق و عموم این آیه، شامل اتخاذ شغل نیز می‌شود؛ یعنی اگر زنان بخواهند در بخشی از زندگی خود، که فارغ از انجام حقوق دیگران است، به فعالیت‌های اقتصادی و یا اجتماعی بپردازند، مانعی ندارد؛ به شرطی که طبق فرموده قرآن بر اساس معروف یعنی اصول عقلانی و انسانی و عرف جامعه باشد. برای مثال، شغلی که منافاتی با



حیثیت خانوادگی و وظایف زندگی مشترک نداشته باشد (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۴، ص ۲۸۷).

ادله اشتغال زنان در روایات

در بررسی روایاتی که به حضور زنان در اجتماع پرداخته‌اند، با دودسته از روایات مواجه می‌شویم: اول روایاتی که به طور مستقیم از اشتغال و سرپرستی زنان نهی کرده‌اند. دسته دوم، که به طور مستقیم از حضور زنان در خارج منزل نهی ننموده‌اند، بلکه بیشتر به نحوه حضور پرداخته‌اند. در اینجا به برخی از روایات اشاره می‌کنیم.

دسته اول، روایاتی است که به طور مستقیم در آن از اشتغال و سرپرستی زنان نهی شده است:

عن ابی عبد الله علیه السلام قال فی رساله امیرالمومنین علیه السلام إلی الحسن علیه السلام: لَا تَمْلِكِ الْمَرْأَةُ مِنَ الْأَمْرِ مَا يُجَاوِزُ نَفْسَهَا فَإِنَّ ذَلِكَ أَنْعَمَ لِحَالِهَا وَأَرْخَى لِبَالِهَا وَأَدْوَمَ لِحِمَالِهَا فَإِنَّ الْمَرْأَةَ رِيحَانَهُ وَلَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ؛ به زن بیش از حد و توانش کار واگذار مکن و این، برای حال او بهتر است و برای زندگی او مناسب‌تر است؛ زیرا زن ریحانه است و قهرمان نیست (فیض کاشانی، ۱۳۷۲، ص ۲۳۲).

این روایت، که نهی ارشادی است، به وضع روحی و جسمی زنان اشاره دارد و بیانگر این است که آنها باید وظایفی را برعهده گیرند که با وضعیت جسمانی و عاطفی‌شان متناسب باشد و آسایش و آرامش آنها را برهم نزند. پس اگر امروزه با استفاده از دانش و تکنولوژی، بسیاری از مشاغل سختی و مشقت گذشته را از دست داده‌اند؛ به طوری که حتی معلولان جسمی نیز به حدی از توان



دست یافته‌اند که به مشاغل و فعالیت‌های گوناگون بپردازند، زنان نیز می‌توانند با تحصیل دانش، توان علمی و عملی خود را برای پرداختن به مشاغل گوناگون افزایش دهند؛ زیرا بسیاری از حرفه‌ها و مشاغل امروزی از مصادیق «ما یجاوز نفسه» نیستند و با لطافت جسمی و روحی زنان منافاتی ندارند (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۴، ص ۲۸۷).

روایت دیگری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به این مضمون وارد شده است که می‌فرماید: «ان یفلح قوم ولّوا امرهم امرأه»؛ قومی که زنان امورشان را سرپرستی کنند، رستگار نمی‌گردد. سند این حدیث به ابی بکره می‌رسد. نقل شده است هنگام خروج عایشه و دعوت او از مردم برای مخالفت و شورش علیه امام علی علیه السلام، ابی بکره نیز به این طغیان دعوت شد و برای امتناع از این دعوت به این سخن پیامبر صلی الله علیه و آله استناد کرد (نراقی، ۱۳۷۷، ص ۱۹۵).

اما به یقین می‌توان گفت: واژه «ولایت» در این روایت، به معنای حکومت‌داری و سلطنت است. پس نمی‌توان آن را بر تمام امور اجتماعی و سرپرستی بر حیطه‌های محدودتر حمل نمود. در نهایت می‌توان گفت: آنچه این روایت در صدد نفی از آن است، سلطنت و حکومت مطلقه است، نه مطلق سرپرستی یا اشتغال (بغدادی، ۱۳۶۷، ص ۳۸۸).

شهید مطهری رحمته الله علیه در شرح همین روایت، ضمن نقل آن و برداشتی که از منع شارع نسبت به تصدی زنان بر منصب حکومت در سطح کلان دارد، می‌نویسد:

وضعیت حکومت امروز با حکومت‌های گذشته فرق دارد.... در گذشته حکومت‌ها استبدادی بود، همین قدر که حکومت را به دست یک کسی



می‌دادند، معنایش این بود که همه افراد در یک کشتی نشسته باشند [که] یک کشتیبان داشته باشد، تمام مقررات هم دست او باشد. در این جور کارها بود که هرگونه مردی صلاحیت رهبری نداشت. اگر احیاناً مردی هم صلاحیت می‌داشت، مردی بود که می‌بایست نبوغ فراوانی داشته باشد. این یک چیزی است که دنیای امروز، همچون حق حکومتی، نه برای مرد قائل است نه برای زن که تمام اختیارات یک کشور را از اول تا به آخر به قانون هم نگذارند، به اداره یک فرد بسپارند (صفائی، ۱۳۸۱، ص ۲۲۵).

از این رو، می‌توان گفت: این روایت غیر از ضعیف بودن سندش، به نفی حکومت و مدیریت زنان در سطح کلان جامعه پرداخته است و هیچ دلالتی بر منع زنان از اشتغال و مدیریت در سایر موارد را ندارد.

در دسته دوم روایات نیز به طور مستقیم منعی برای فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی زنان وجود ندارد، بلکه این روایات بیشتر ناظر بر نحوه حضور زنان در جامعه است. برای مثال، آنها را از اختلاط با مردان بیگانه باز می‌دارد و به رعایت عفاف و پوشیدگی دعوت می‌کند. مانند این روایت که می‌فرماید: «أَمَّا تَسْتَحْيُونَ وَ لَا تَعَاوُونَ نِسَاءَكُمْ يَخْرُجْنَ إِلَى الْأَسْوَاقِ وَيُزَاكِمْنَ الْعُلُوجَ» (بغدادی، ۱۳۶۷، ص ۳۹۱).

در زمینه روابط کلامی نیز که زمینه‌ای برای برقراری روابط عاطفی عمیق است، توصیه‌هایی به زنان شده است، مانند اینکه با لحن نازک و تحریک‌آمیز سخن نگویند. به طور کلی، این دسته از روایات، به رعایت حد و مرزها سفارش می‌کنند. بنابراین، اگر اشتغال زنان موجبی برای مفسده نباشد، با حفظ عفت و اخلاق عمومی جامعه بلامانع است.



ادله اشتغال زنان در سیره نبوی

تاریخ بیانگرایین است که در زمان رسول خدا ﷺ زنان زیادی به فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی می‌پرداختند و نه تنها پیامبر ﷺ آنها را منع نمی‌کرد، بلکه در مواردی آنها را نیز راهنمایی می‌نمود. حضرت خدیجه ع که از زنان بزرگوار و برگزیده است، خود تاجری ثروتمند بود که به تجارت می‌پرداخت و پیامبر ﷺ نیز برای مدتی از جانب ایشان به تجارت مشغول بود (نجفی، ۱۴۱۳، ص ۳۵۵).

در روایتی آمده است که رسول خدا ﷺ به زنان جوان اجازه می‌داد تا در مراسم عید فطر و قربان از منازل خود خارج شوند و برای تهیه روزی بساط بگسترانند (موسوی خوئی، ۱۴۱۲، ص ۱۳۷).

حولاء، زنی عطر فروش بود که پیامبر ﷺ او را موعظه می‌کرد و می‌فرمود: «هرگاه عطر می‌فروشی، جنس سالم و با قیمت مناسب تحویل مردم بده و هرگز در جنس خود تقلب روا مدار؛ زیرا معامله سالم پاک‌تر است و سبب خیر و برکت می‌شود» (همان). سمراء، دختر نزهیک، هم از کسانی بود که متصدی امر به معروف و نهی از منکر در بازار بود و جزو محتسبین (مأموران انتظامی) به حساب می‌آمد. همچنین در جنگ‌های پیامبر ﷺ همیشه عده‌ای از زنان ضر بودند که به آب‌رسانی و پرستاری از زخمی‌ها می‌پرداختند. مانند لیلی غفاری، که بارها در میدان‌های نبرد حضور یافت و از بیماران و مجروحان جنگی پرستاری و آنان را مداوا و معالجه کرد. / م سلمه نیز در غزوات متعددی شرکت داشتند و از مجروحان پرستاری می‌کردند (همان).

آثار مثبت اشتغال زنان

باتوجه به صنعتی شدن کشورها و پیشرفت امور اقتصادی و نیاز به کالاهای متفاوت و به دلیل گردش مثبت اقتصادی جامعه و پیشرفت کشور، اشتغال زنان در کنار مردان می تواند اوضاع اقتصادی کشور را به وضع مطلوب تری نزدیک نماید و زنان شاغل با اشتغال خود از مزایایی برخوردار هستند که به اختصار در ذیل به آنها اشاره می کنیم:

۱. ایفای نقش اجتماعی و کسب مهارت های اجتماعی

اشتغال در بیرون از خانه و برخورد با افراد مختلف در جامعه، ممکن است این زمینه را در زن به وجود آورد که توان تعامل و مهارت های برقراری ارتباط با دیگران را تقویت کند و جنبه اجتماعی خویش را رشد دهد. به همین دلیل، معمولاً زنان شاغل بهتر از زنان خانه دار با دیگران ارتباط برقرار نموده، می توانند از حق و حقوق خود دفاع نمایند (دانشنامه جهان اسلام، ۱۳۹۶، شماره ۸۲۶).

۲. افزایش اعتماد به نفس

افزایش مهارت های اجتماعی، موفقیت در برقراری ارتباط با مردم، کسب درآمد و استقلال مالی، احساس توانمندی و... موجب تقویت و افزایش اعتماد به نفس در زنان شاغل می شود و اعتماد به نفس بالا و خودباوری نیز زمینه موفقیت های بیشتر را برای فرد فراهم می کند. اشتغال زنان، باعث افزایش شناخت نسبت به خود می شود که یکی از پایه های عمده سلامت روان است و منابع گوناگونی برای احساس رضایت در خود و دریافت پاداش را ایجاد می کند. زنان شاغل امکان



انجام فعالیت‌های مقبول و ارزشمند اجتماعی را که سبب افزایش عزت نفس است، پیدا می‌کنند (اعزازی، ۱۳۸۵، ص ۱۱۹).

۳. افزایش سطح آگاهی و تجربه

حضور فعال در اجتماع و در عرصه تلاش و سازندگی و ارتباط با افراد و نظرات مختلف، تجربه‌های ارزشمندی در اختیار فرد قرار می‌دهد. ماهیت برخی کارها به گونه‌ای است که افراد تلاش می‌کنند تا برای به دست آوردن موقعیت شغلی بهتر، سطح تحصیلات، مهارت‌ها و آگاهی‌های خود را افزایش داده و از خود ابتکار و نوآوری نشان دهند. این مسائل، موجب افزایش توانمندی و پویایی فکری و ذهنی در آنها می‌شود (مدرس، ۱۳۷۵، ص ۲۰۵).

۴. برآورده شدن نیازهای مالی

روشن است که با اشتغال و درآمدزایی خانم و انتقال آن به خانه، به مرور زمان از مشکلات مالی خانواده کاسته و بر رفاه آن افزوده می‌شود (شاطرجبی، ۱۳۸۹، ص ۸۹).

۵. خارج شدن از رکود و یک نواختی در زندگی

تجربه‌های مشاوره‌ای نشان می‌دهد که یکی از مشکلات جدی خانم‌ها، به خصوص در سال‌های آغازین ازدواج، مسئله تنهایی در منزل است. در روزگاری که روز به روز شرایط کار برای آقایان سخت‌تر گشته و تا حدودی امنیت شغلی کم‌تر از گذشته شده و هزینه‌های زندگی، که البته بسیاری از آنها کاذب و تحمیلی هستند نه واقعی، سنگین‌تر شده، برخی مردها بدون توجه و تلاش



برای برنامه‌ریزی بهتر برای مدیریت اقتصادی منزل، سعی می‌کنند با اضافه‌کاری یا چند شیفت کارکردن، براین مشکلات غلبه کنند. حاصل این تلاش دوچندان، این است که همسرانشان در طول روز و تا پاسی از شب در خانه تنها بمانند. این تنهایی، اگربرایش برنامه‌ریزی نباشد، معمولاً باعث کسالت روحی، بی‌حوصلگی، افسردگی، اضطراب، وسواس و... در آنان می‌شود. متأسفانه گاهی هم باعث انحراف اخلاقی و شروع روابط ناسالم در فرد می‌شود. ازاین‌روی، برخی از خانم‌ها برای فرار از این تنهایی و پیامدهای زیان‌بار آن به اشتغال روی می‌آورند (حیدر زاده، ۱۳۷۸، ص ۹۸).

پرداختن تمام وقت به کارهای خانگی می‌تواند موجب انزوا، بیگانگی و فقدان رضایت قلبی شود. در یک پژوهش زنان خانه‌دار، کارهای خانه‌داری را بسیار یکنواخت می‌دانستند و فشار روانی زیادی به خود وارد می‌کردند تا ضوابط و معیارهای خاصی را که برای خود وضع کرده بودند، رعایت کنند (دژکام، ۱۳۸۷، ص ۵۵).

۶. استقلال مالی و وابستگی کمتر

اشتغال، موجب بی‌نیازی زن در بسیاری از هزینه‌های شخصی و خانوادگی می‌شود. زنان شاغل با درآمدی که دارند، می‌توانند به خواسته‌ها و آرزوهای خود جامه عمل بپوشانند و از زیر بار منت شوهر یا دیگران خلاصی یابند و نیز بتوانند در صورت لزوم، به خانواده و دوستان خود کمک کنند؛ بدون اینکه نیازی به اجازه کسی داشته باشند.



۷. مدیریت اقتصادی بهترخانه

زنانی که کار می‌کنند معمولاً چون سختی‌های به دست آوردن پول را تجربه می‌کنند، بیشتر احتمال دارد که قدر منابع مالی را بدانند و در تدبیر و مدیریت اقتصادی منزل کوشاتر باشند و از اسراف و تبذیر در هزینه‌ها اجتناب کنند.

اشتغال زنان و اثرات منفی آن

امروز در فرهنگ غرب، نقش مادری و همسری زن در خانواده تحت الشعاع سایر ارزش‌ها قرار گرفته است و در برخی موارد، یکی از موانع و مشکلات زنان در برابراشتغال محسوب می‌شود. اشتغال زنان که امروزه به صورت یک فرهنگ درآمد، گاهی با چالش‌هایی همراه است که به طور مختصر به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. اشتغال در تعارض با ایفای نقش‌های زنان در منزل

روشن است که زنان شاغل نتوانند آن‌گونه که شایسته است، وظایف خانه‌داری و مسئولیت‌های خود را به عنوان همسر و مادر انجام دهند. بسیاری از اختلاف‌های زناشویی نیز از همین امر ناشی می‌شود، به خصوص جایی که مردان، خود را موظف به کمک در کارهای منزل نمی‌دانند. مطالعات نشان می‌دهد که زنان متأهلی که بیرون از خانه شاغل‌اند، کم‌تر از سایر زنان کارهای خانه‌داری را انجام می‌دهند، اگرچه مسئولیت اصلی مراقبت و رسیدگی به خانه تقریباً همیشه بر عهده آنهاست. پارسونز (۱۹۵۵)، با توجه به الگوی نقش‌ها، دو نقش متفاوت را در خانواده مطرح می‌کند. از نظر او مرد، نقش «ابزاری» و



زن نقش «بیانگر» دارد. نقش ابزاری، بیش‌تر گویای حالات مردانه و نقش بیانگر شامل حالات زنانه است. به اعتقاد وی، این تقسیم نقش موجب حفظ وحدت خانوادگی می‌شود؛ زیرا نقش مرد، دادن پایگاه اجتماعی به خانواده از طریق شغل مرد و حفظ امنیت و آسایش خانواده از طریق درآمد شغلی اوست و نقش زن ایجاد روابط عاطفی (بیانگر) در درون خانواده و حفظ روابط عاطفی ضروری برای اعضای خانواده است که از مشکلات گوناگون جامعه رنج می‌برند. پارسونز این تقسیم را بهترین شکل برای حفظ وحدت خانوادگی می‌داند و تداخل هر نوع نقش دیگر را سبب برهم خوردن تعادل زندگی به حساب می‌آورد؛ زیرا به خصوص در حالت اشتغال زن، او حالت بیانگر را از دست داده و تبدیل به رقیب شغلی شوهر خود می‌شود. رقابت زن و شوهر با یکدیگر سبب ناهماهنگی و نابسامانی خانواده می‌شود. وی الگوی متعارف تقسیم جنسیتی نقش‌ها و وظایف میان زن و شوهر را عادلانه می‌داند؛ به این دلیل که نقش‌های آنها معادل و مکمل یکدیگرند (فوکو، ۱۳۷۸-۱۲۸).

گرین هاوس، سه نوع تعارض را میان کار و خانواده مطرح می‌کند:

۱. تعارض مبتنی بر زمان؛ یعنی اینکه چگونه زمان اختصاص یافته به یک نقش، موجب کاهش توجه به نقش دیگر می‌شود. مانند زمانی که ملاقات‌ها و جلسات اداری، با برنامه میهمانی خانوادگی در تعارض باشد.

۲. تعارض مبتنی بر فشار روانی؛ یعنی سرایت نشانه‌های تنیدگی مانند خستگی و تحریک‌پذیری از یک نقش به نقش دیگر که در اینجا با انواع گوناگون فشارهای روانی درگیر هستیم. مثل انتظارها و توقع‌های شغلی در مقابل انتظارهای شخصی و خانوادگی، رقابت بین زن و شوهر، تقسیم کار، مراقبت از فرزندان،

تخصیص زمان، مسافرت‌ها و مهاجرت‌های شغلی، شبکه‌های اجتماعی و حفظ هویت.

۳. تعارض مبتنی بر رفتار: این تعارض عبارت است از ناهماهنگی رفتار در یک نقش، با رفتار مورد انتظار در نقش دیگر، مانند زمانی که از کارمند در محیط کار، عینی بودن و غیرعاطفی عمل کردن و در خانواده گرمی، عاطفی بودن و نقش پرورشی مورد انتظار است (دانشنامه جهان اسلام، ۱۳۹۶، شماره ۶۸۸). گرین‌هاوس و همکاران (۱۹۸۹) دریافتند که زنان سطوح بالایی از تعارض کار و خانواده را هنگامی که به شدت درگیر کار خود هستند، تجربه می‌کنند. وست‌کوت، در نقد نظریه کارن هورنای، که معتقد بود زنان باید با خارج شدن از خانه و به عهده گرفتن کارهای متفاوت در مشاغل گوناگون، هویت خود را بیابند، می‌گوید: زنان امروزی ما بین نیاز به جلب توجه مردان و دنبال کردن اهداف شخصی خود، گیر افتاده‌اند. به همین دلیل، رفتارهای متضادی از خود نشان می‌دهند. گاهی اغواگر و پرخاش‌گر، گاهی مؤدب و گاهی جاه‌طلب می‌شوند. زنان امروز بین کار و عشق، دوپاره شده‌اند و در نتیجه، هیچ‌کدام، آن‌ها را ارضا نمی‌کند (مدرس، ۱۳۷۵، ص ۲۱۹).

۲. عدم آمادگی جسمی و روانی برای تامین روانی، عاطفی اعضای خانواده

مطالعات د/مس (۱۹۸۶)، نشان می‌دهد که روزهایی که مادرها روابط اجتماعی ناخوشایندی را با دیگران دارند، رفتارهای ناخوشایند بیشتری از فرزندانشان داشته‌اند. همچنین پژوهش ریتی و وود (۱۹۹۶)، نشان داده است که استرس‌های شغلی، الگوهای تعامل خانوادگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.



مادرانی که در محل کار، فشارکاری و استرس بین فردی داشته‌اند، علائم کناره-گیری رفتاری و هیجانی را بیشتر نشان می‌دادند (اکبری، ۱۳۸۵، ص ۲۱۲).

۳. عدم نظارت بر فرزندان و غفلت از نیازهای آنان

وقتی مادر دوش به دوش پدر بیرون از خانه باشد، روشن است که فرصت کافی و انرژی لازم برای نظارت بر امور درسی و نیز رفتارهای بیرون از منزل فرزندان را نداشته باشد. همین امر موجب غفلت از نیازهای فرزندان و یا بی‌توجهی به آن خواهد شد. نتایج پژوهش *خونساری و رحمتی* (۱۳۸۲) و *ساروخانی* نشان می‌دهد که نزدیک به ۲۰ درصد کودکانی که مادرانشان کار می‌کنند در ساعات قبل و بعد از مدرسه، سرپرستی ندارند.

۴. پیامدهایی نامطلوب اشتغال مادر بر رشد جسمانی و روانی فرزندان

پس از تولد نوزاد، مادر نخستین فرد خانواده است که با کودک خود تماس مستقیم دارد. در واقع زندگی کودک با ارتباط زیستی میان او و مادرش آغاز می‌شود. این ارتباط نه تنها در رفع نیازهای کودک مؤثر است، بلکه بر حالات روانی و عاطفی وی نیز تأثیر می‌گذارد. اصولاً رشد طبیعی و روانی کودک در درجه نخست، به وجود مادر وابسته است و تا مدتی طولانی، وی عمده‌ترین نقش را در زندگی بازی می‌کند. طبیعی است که مادران شاغل نمی‌توانند مثل مادران خانه‌دار به کودکان خود رسیدگی کنند؛ چرا که مادر چندین ساعت از روز را جدای از فرزند بوده و در کنار خستگی جسمی و ذهنی ناشی از کار، مسئولیت خانه و خانه‌داری نیز به دوش او است، در نتیجه اغلب فرصت کمی دارند که در اوقات باقی مانده روز نسبت به



کودک خود رسیدگی کافی و لازم را داشته باشند.

البته در مورد میزان تأثیر اشتغال مادران شاغل بر رشد فرزندان و مقایسه آن با نقش مادران غیرشاغل، نباید از جنبه‌های دیگر غافل ماند و باید تمام عواملی را که احتمالاً در روند رشد تأثیر دارند، مشخص نمود. به عنوان مثال، مادر شاغلی را که شخصیت و صلاحیت او برای مادری در سطح مطلوبی است، باید با مادر غیرشاغلی که دارای همین خصیصه است، مقایسه کرد. بی‌شک در بسیاری از موارد، مادر غیرشاغل بهتری می‌تواند به نیازهای عاطفی، اجتماعی و شخصیتی کودک خود پاسخ دهد. برعکس، مادری که به دنبال چندین ساعت کار و تلاش در خارج از منزل، با حالتی خسته به منزل برمی‌گردد، نمی‌تواند بر انجام دادن این مهم، آن‌طور که شایسته است اقدام کند.

باتوجه به این که کودکان در مراحل مختلف تحول روانی و رشد جسمانی خصوصیات متفاوتی دارند، واکنش‌های آنها نسبت به حضور کم‌رنگ مادر متفاوت خواهد بود. برای مثال، اگر کودک را پیش از دوسالگی به پرستاری فردی غیرمادر بسپاریم و او در نگهداری از کودک ناموفق باشد، با واکنش‌هایی نظیر اضطراب جدایی با نشانه‌های وحشت‌زدگی همراه با ناراحتی‌های جسمانی نظیر اسهال، تهوع، استفراغ و... روبه‌رو می‌شویم. طبق نظریه بولبی، اولین رابطه عاطفی کودک با مادر اهمیت حیاتی دارد؛ کودک به برقرار کردن پیوندی پایدار نیاز دارد و اگر این پیوند به گونه‌ای برگشت‌ناپذیر قطع شود، یا هرگز به شکل رضایت‌بخشی برقرار نشود، از آن پس رشد جسمانی، ذهنی و اجتماعی کودک ممکن است به صورتی دایمی آسیب ببیند. شواهد نشان می‌دهد اگر کودک طی سه سال اول زندگی، امکان نیابد به مادر یا جانشین



مادر که ثابت باشد دل ببندد، ممکن است شخصیتی بی عاطفه یا جامعه ستیز پیدا کند (حسینی دشتی، ۱۳۸۶، ص ۱۱۴).

در دوره پیش دبستانی، اضطراب جدایی با پرخاشگری و نارسایی در توجه و ... آشکار می شود. در کودکان دبستانی علاوه بر موارد بالا، افت تحصیلی وجود دارد. در دوره نوجوانی با توجه به بحران بلوغ و تغییراتی از قبیل، بروز اخلاق خود پیروی و حس استقلال طلبی، نوجوانان فکر می کنند قدرت انجام هر کاری را دارند. به علاوه بحران های عاطفی در رابطه با جنس مخالف، وارد شدن به گروه های مختلف و ... از جمله مسائلی هستند که می توانند مشکلاتی را برای نوجوانان فراهم کنند. این جاست که ارائه راهنمایی های به موقع مادر می تواند از بروز بسیاری از این خطر ها پیشگیری کند و یا از شدت بحران ها بکاهد (رحیمی، ۱۳۸۹، ص ۶۵).

اهمیت مادر برای کودک تنها در رفع نیاز های او خلاصه نمی شود، بلکه همه احساس امنیت کودک وابسته به وجود مادر است. مطابق پژوهش ولف و اسپیتز، در صورتی که کودک به طور مستمر عشق و علاقه مادر را دریافت نکند، حتی واکنش های بسیار طبیعی عاطفی نیز به موقع بروز نمی کند. برای مثال، در فاصله سنی سه تا شش ماهگی، واکنش طبیعی خنده در کودک دیده می شود، اما اگر فعالیت های مادرانه کافی نباشد، این واکنش طبیعی بروز نمی کند. مارگارت ریبیل، ادعا می کند که عشق مادر، شرط لازم برای رشد رضایت بخش کودک است. پژوهش های وی نشان می دهد که واکنش کودکان نسبت به توجه ناکافی مادر، به صورت پریدگی رنگ و از دست دادن شادابی طبیعی، تنفس نامنظم و حتی ناراحتی های معده و روده، که منجر به اسهال و استفراغ در کودک می شود، ظاهر می گردد. با توجه به این تحقیقات، کودک باید در یک دوره طولانی، محبت مادرانه



کافی و باثبات را تجربه کند. تظاهر به رفتار مادرانه کافی نیست و کودک به دریافت محبت واقعی و عمیق مادر یا جانشین مادر نیاز دارد تا بتواند مراحل رشد را به طور طبیعی طی کند. (مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواران، ۱۳۷۹، ص ۳۵).

از سوی دیگر، ازدیدگاه برخی افراد، سپردن کودکان به سازمان‌های خاص (مهدکودک‌ها)، آن هم زمانی که کودک بیشترین نیاز را به مادر دارد، ممکن است موجبات بروز نابسامانی‌های روانی خاصی را در بزرگسالی فراهم آورد که به آن «پرستار مادری» اطلاق می‌شود (مدرس، ۱۳۷۵، ص ۱۵۵).

۵. واگذاری کارهای منزل بردوش شوهر و فرزندان

محیط منزل باید محیطی آرام و امن برای استراحت و تجدید نیروی شوهر و فرزندان باشد، اما در خانواده‌هایی که بانوی بیرون از منزل شاغل است، اغلب این آرامش کمتر فراهم است و شوهر که خسته از سرکار برمی‌گردد، یا خانم در منزل نیست و باید خودش کارهای منزل و حتی گاهی پخت و پز را انجام دهد و خستگی‌اش دوچندان بشود و یا اگر هم خانم منزل هست، آن قدر خسته است که حوصله هیچ کاری را ندارد و باز این آقا و بچه‌ها هستند که باید جور خستگی مادر را بکشند. البته این سخن به این معنی نیست که تنها وظیفه خانم است که در خانه کار بکند و اعضای دیگر خانواده هیچ مسئولیتی در این زمینه ندارند، تقسیم کار در منزل ضروری است و اعضای خانواده در امور منزل باید همیاری داشته باشند، ولی به هر حال حضور کم‌رنگ همسر و مادر در منزل، گاهی زحمت بقیه را بیشتر می‌کند و آن آرامشی که انتظار هست، اغلب

به دست نمی‌آید (برانیسلاو مالینوفسکی، ۱۳۸۷، ص ۷۸).

۶. کم میلی به بچه‌دار شدن یا اکتفا به فرزند کمتر

نتایج پژوهش باقری، ملتفت و شریفیان نشان می‌دهد که زنان شاغل در مقایسه با زنان خانه‌دار در تعیین تعداد موالید نقش برجسته‌تر و تعیین‌کننده‌تر دارند. /خوی‌راد و حاتمی، در پژوهشی نتیجه‌گیری کردند که اکثر افراد، اثر کار زن را بر میزان باروری تأیید می‌کنند که عامل آن کمبود وقت از جهت رسیدن به فرزند است. چنان که به وضوح در جامعه وجود دارند خانواده‌هایی که زن و شوهر هر دو شاغل‌اند، اغلب تک‌فرزند یا دوفرزند هستند و گاهی فاصله سنی زیادی هم بین بچه‌ها ایجاد می‌کنند که آسیب‌های خودش را دارد (شهلا، کاظمی پور، ۱۳۸۳، ص ۱۱۱).

۷. سستی روابط زناشویی

استقلال مالی، اجتماعی و مدیریتی که زنان شاغل به دست می‌آورند، گاهی آنان را دچار نوعی خطای شناختی - رفتاری می‌کند که منجر به عدم هماهنگی با همسرانشان می‌گردد. در نتیجه، قدرت چانه‌زنی زنان در خانواده به طور چشمگیری افزایش پیدا می‌کند؛ رفتارهایی مثل منت گذاشتن بر سر همسر، حساب و کتاب جداگانه برای خود درست کردن، خریدهای غیرضروری، روی آوردن به تجملات و... باعث تیرگی روابط زناشویی شده و نقش مرد بودن را به عنوان مرد از او گرفته، غالباً به حاشیه‌نشینی وی می‌انجامد. همین مسئله میل به ادامه زندگی همسر را با وی کمتر نموده، باعث سستی بنیان خانواده می‌گردد.





پژوهش باقری، ملتفت و شریفیان بر روی ۲۰۰ زن متأهل خانه‌دار و ۱۰۰ زن متأهل شاغل، نشان داد که زنان شاغل در مقایسه با زنان غیرشاغل در مسایلی مانند تصمیم‌گیری اقتصادی، تصمیم‌گیری در مورد تربیت فرزندان، تعداد فرزندان و آزادی انتخاب در مسائل مربوط به مشارکت و رفتارهای سیاسی از قدرت بیشتری برخوردار بودند.

باقری نیز یکی از مؤلفه‌های اجتماعی مرتبط با اشتغال زنان را افزایش «قدرت تصمیم‌گیری» زنان در خانه و خانواده می‌داند و معتقد است: وضعیت اشتغال زنان، تغییر در روابط بین زن و شوهر را به دنبال دارد. زنان شاغل به دلیل کسب قدرت اقتصادی و عهده‌دار شدن تمام یا برخی از هزینه‌های زندگی، نسبت به زنان خانه‌دار قدرت تصمیم‌گیری بیشتری در امور زندگی پیدا می‌کنند و تسلط بی‌چون و چرای مرد به عنوان همسر کمتر می‌شود (صادقی، ۱۳۷۹، ص ۵۵-۵۶).

۸. پیری زودرس، افسردگی و مشکلات جسمانی و روانی

البته منکر این مسئله نیستیم که برخی از مشاغل مایه نشاط و شادابی بانوان می‌شود، اما به هر حال باتوجه به مسائل فرهنگی جامعه ما که کمک آقایان در منزل کمتر به چشم می‌خورد، بانوان شاغل مجبورند هم بیرون از منزل کار کنند و هم در منزل. آنان به جای استراحت و تجدید نیرو، برای اینکه همسر و یا فرزندان غرنزنند و نسبت به کارکردن وی بهانه‌گیری نکنند، تلاش می‌کنند تا همه چیز در منزل مرتب و به موقع فراهم باشد. براساس پژوهش‌های انجام شده زنان شاغل متأهل در طول هفته بیش از ۸۰ ساعت؛ یعنی دو برابر کار ضروری



برای یک کارگر در هفته کار می‌کنند. در پژوهشی که در مورد ۱۲۹۶ زوج شاغل در ایالت نیویورک آمریکا صورت گرفته بود، مشخص شد که زنان شاغل در حدود ۷۰٪ از کار منزل را شخصاً انجام می‌دهند، در صورتی که همسران آنان تنها ۱۵٪ و فرزندان ۱۵٪ دیگر از کارهای خانه را انجام می‌دهند. این مدت زمان کار و فشار مضاعف باعث فرسودگی جسم و روان زنان شده و به مرور زمان آنان را با مشکلات متعدد جسمی و روحی مواجه خواهد نمود. برخی تحقیقات نشان داده است که ناراحتی‌های قلبی در میان آن گروه از مادران میان سال که شغل کارمندی یا فروشنده‌گی دارند، دوبرابر بیشتر دیده می‌شود تا در میان زنان خانه‌دار (همان).

بعضی مطالعات اخیر نشان داده‌اند که فشار طاقت‌فرسای ایجاد تعادل بین خانه و کار، تعداد زیادی از مادران شاغل را یا مجبور به دست‌کشیدن از کار و یا گرفتن کارهای پاره‌وقت می‌کند. پرایس (۱۹۸۸) گزارش می‌کند که شغل زنان شاغل، نه جایگزین نقش همسری یا مادری که توأم با آنهاست. «بار مضاعفی» که زنان بردوش می‌کشند، شاید دلیل اصلی آن چیزی باشد که وی آن را «نابودکننده تأثیرات مادری» می‌نامد که شامل فشارهای جسمی، فکری و عاطفی شدید است.

بولتون (۱۹۸۳) کشف کرد که دست‌کم چهل درصد زنان شاغل طبقه کارگر دچار افسردگی هستند. در مطالعات متعدد آشکار شده است که بیش از پنجاه درصد از مادرانی که فرزندانشان هنوز به سن مدرسه نرسیده‌اند، علایمی حاکی از ابتلا به ناراحتی‌های روحی و خیم دارند.

نتایج پژوهش خسروی و خاقانی فرد بر روی ۳۵۹ نفر از زنان شاغل در مراکز غیردولتی شهر تهران، نشان داد اگرچه اشتغال زنان منابع بیشتری برای



رضایت‌مندی و عزت نفس آنان فراهم کرده است، اما درعین حال موجب احساس خستگی و فرسودگی نیز شده است که این احساس خستگی و فرسودگی با تعارض نقش‌ها، ارتباط بالایی نشان داده است (فروید، ۱۳۸۳، ص ۴۸).

۹. آسیب‌پذیری اخلاقی زنان شاغل، به خصوص در محیط‌های کاری

آزار جنسی در محیط کار، یکی از مهم‌ترین مشکلاتی است که زنان شاغل در بسیاری از جوامع، به ویژه در جوامع غربی از آن رنج می‌برند. برطبق برآوردها، «در انگلستان از هر ده زن، هفت زن در دوره شغلی خود به مدتی طولانی دچار آزار جنسی می‌گردند. طبق گفته‌های رومیت، مطالعات نشان می‌دهد که نیمی از زنان در کشورهای صنعتی مورد آزار و اذیت‌های جنسی قرار می‌گیرند. آزار جنسی منجر به احساس درماندگی، نداشتن عزت نفس، تشویش، افسردگی، ارتباط ضعیف با همکاران و کاهش اشتیاق به انجام کار می‌گردد. به گفته وی، تجاوز جنسی در بین اذیت‌های جنسی، از آمار بالاتری برخوردار است. مطالعات گوناگون، درصد تجاوزهای جنسی در کشورهای صنعتی را بین ۱۳ تا ۴۴ درصد نشان می‌دهد. این امر از آنجا ناشی می‌شود که بیشتر مردان در محیط کار، اعم از همکاران و مراجعان - هرچند به طور ناخواسته - به زنان همچون موجوداتی جنسی می‌نگرند و این طرز نگرش به طور طبیعی در رفتار (نگاه، گفتگو و...) آنان منعکس می‌شود. چه بسیار روابط ناسالم ضد اخلاقی که از افراد در محیط‌های کاری گزارش می‌شود و چه بسا زنان سالم و متدینی که به مرور زمان از عفت و نجابتشان کاسته می‌شود. حداقل آسیبی



که گریزی از آن نیست، برجسته شدن روحیه مردانه در این زنان است. به خصوص اگر کار از لحاظ جسمانی انرژی زیادی بطلبد یا محیط به گونه‌ای باشد که مرد و زن نامحرم، زیاد در ارتباط و تعامل با هم باشند. آثار منفی این روحیه بیشتر در منزل و در رفتار با همسر و فرزندان ظاهر می‌شود. جایی که عاطفه و احساس لطیف زنانه و مادرانه حرف اول را باید بزند، با سرسختی، تندی، بی‌حوصلگی، خستگی، عمل-گرایی و... مواجه می‌شویم (اعزازی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۱).

۱۰. بیکاری مردان:

جذب زنان به بازار کار، قناعت به دستمزدهای کم، سربه‌زیری و حرف‌شنوی و... سبب می‌شود که شرکت‌ها و مراکز کاری بیشتر از نیروی زن استفاده نمایند. در این میان، یا باید مردان نیز با همان دستمزد پایین کار کنند که معمولاً کفاف مخارج زندگی‌شان را نمی‌کند و یا از کار کردن در آن محل منصرف شده دنبال کار دیگری باشند و این مشکل روز به روز بیشتر خودش را نشان می‌دهد و یکی از نگرانی‌ها و دغدغه‌های کارشناسان است (همان).

نتیجه‌گیری

چنانچه بیان شد، از نگاه قرآن کریم و منابع دینی اشتغال زنان به معنای کار درآمدزا، به‌خودی‌خود هیچ منعی ندارد و اسلام حقوق زن و مرد در کار و تلاش را به رسمیت شناخته و تفاوتی بین ایشان قایل نیست. زن مسلمان با حفظ هویت اسلامی خود هیچ‌گونه منعی برای اشتغال ندارد؛ هرچند توصیه یا تشویق خاصی نیز نسبت به اشتغال زنان در متون دینی مشاهده نمی‌شود. در واقع، اسلام اشتغال



زنان را نه به خودی خود، بلکه در فرضی که به مصالح مهم تر، به ویژه ایفای نقش مادری و همسری و حفظ پاک دامن و سلامت اخلاقی جامعه آسیب برساند، ناپسند و شمرده است. از سوی دیگر، چون بیشتر انگیزه های مطرح شده با ناهنجاری های اقتصادی و فرهنگی جوامع در ارتباط اند، وضعیت مطلوب زمانی حاصل می شود که پدیده هایی همچون فقر، تبعیض، طلاق، تحقیر و خشونت بر ضد زنان به کم ترین حد برسد، به گونه ای که زنان ناگزیر نباشند برای رهایی از پیامدهای این مشکلات، بار سنگین اشتغال را به دور بکشند. اما در شرایط موجود، اشتغال زنان با انگیزه هایی همچون نیازهای معیشتی خود و خانواده، کسب تجربه و موفقیت، افزایش اعتماد به نفس و تعامل اجتماعی و خودباوری، تأمین ایمنی آینده خود و خانواده، وظیفه گرایی و خدمت رسانی انگیزه های مثبت و مقبول به شمار می آیند، ولی هنگامی که انگیزه های مالی در شکل زیاده خواهی، چشم و هم چشمی و تجمل گرایی بروز کنند و یا زمانی که اشتغال زنان به دلیل فرار از مسئولیت های واقعی زندگی یا رقابت با مردان و تلاش در جهت تساوی حقوق زن و مرد به معنای فمینیستی آن به خود بگیرد، نمی توان موافقت اسلام را با چنین انگیزه هایی انتظار داشت.

همچنین، تعدادی از پژوهش های انجام شده سعی دارند اشتغال را به عنوان نیاز واقعی و مطالبه جدی زن امروز قلمداد کنند، آگاهانه یا ناآگاهانه ریشه در اندیشه های فمینیستی داشته و از سوی نویسندگان فمینیست و با سوگیری های خاصی همراه بوده است. غفلت از تفاوت های جسمانی و روان - شناختی از دیگر خطاهای این نویسندگان است. همچنین این گروه نتوانسته - اند بین بافت دینی - فرهنگی جامعه ما با جوامع اروپایی و غربی تمایز قایل

شوند.

سخن آخر اینکه در این زمینه نمی‌توان برای تمام افراد جامعه نسخه یکسانی ارائه کرد. تفاوت‌های فردی و ویژگی‌های شخصیتی، نیازهای فردی و اجتماعی، شرایط محیطی و فرهنگی و غیر آن، هر کدام اقتضاهایی دارد که می‌تواند اشتغال را بر فردی قابل توجه و معقول و بردیگری آسیب‌زا و غیر قابل توجه بکند.



منابع

قرآن کریم

۱. اعزازی، شهلا، جامعه‌شناسی خانواده: با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۸۵.
۲. اکبری، محمود، *نگاهی به حق‌الناس*، قم، گلستان ادب، ۱۳۸۵.
۳. برانیسلاو مالی‌نوفسکی، *گریزه جنسی و سرکوب آن در جوامع ابتدایی*، محسن ثلاثی، نشر ثالث، چاپ دوم، ۱۳۸۷.
۴. بغدادی، ابوعبدالله محمد بن النعمان، *الإختصاص*، ج ۳، مترجم: سید محمد لارانی، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۷.
۵. جوادی آملی، عبدالله، *حق و تکلیف در اسلام*، تحقیق و تنظیم مصطفی خلیلی، قم، اسراء، ۱۳۸۴.
۶. حسینی دشتی، مصطفی، *معارف و معاریف*، انتشارات دانش، ج ۱، ۱۳۸۶.
۷. حویزی، عبد علی بن جمعه، *تفسیر نورالتقلین*، تصحیح: هاشم رسولی محلاتی، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۸۲.
۸. حیدرزاده، محمدرضا، *خانواده و مشکلات فرزندان*، تهران، نشر بهار، ۱۳۷۸.
۹. حیدری نراقی، علی محمد، *حق‌الناس*، چاپ یازدهم، قم، انتشارات مهدی نراقی، ۱۳۹۲.
۱۰. دانشنامه جهان اسلام، *بنیاد دائرة المعارف اسلامی*، برگرفته از مقاله «خانواده»، شماره ۸۲۶، فصلنامه مهر، ۱۳۹۶.
۱۱. دژکام، محمدرضا. *مشاور روان‌شناسی خانواده*، انتشارات مهر، ۱۳۸۷.
۱۲. رحیمی، عباس، *اهمیت فضای مجازی*، چاپ سوم، قم، نشر جمال، ۱۳۸۹.
۱۳. سجادی، جعفر، *فرهنگ معارف اسلامی*، تهران، شرکت مؤلفان و

مترجمان ایرانی، ۱۳۶۲

۱۴. شاطررجبی، ابوالفضل. «بررسی فقهی و حقوقی مبانی و الزامات حسن معاشرت زوجین»، گلستان، ۱۳۸۹

۱۵. صادقی، محمدهادی، حقوق جزای اختصاصی، انتشارات ستایش، ۱۳۷۹

۱۶. صفائی، حسین، مختصر حقوق خانواده، تهران، نشر روان، چاپ دوم، ۱۳۸۱

۱۷. طبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تعلیق ابو الحسن شعرانی، چاپ دوم، تهران، دارالکتاب الاسلامیه، ۱۳۸۰

۱۸. عسکری، مرتضی، القرآن الکریم و روایات المدرسین، چاپ دوم، قم، نشر دانشکده اصول الدین، ۱۴۱۶

۱۹. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تهران، انتشارات علمیه، ۱۳۸۰ ق.

۲۰. فروید، زیگموند، توتن و تابو، ایرج پورباقر، انتشارات حکمت، ۱۳۸۳

۲۱. فوکو، میشل، اراده به دانستن. ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان دیده. دوم، تهران، ۱۳۷۸

۲۲. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، المحجّه البیضاء فی تهذیب الاحیاء، مشهد، نشر آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲

۲۳. قرشی بنابی، علی اکبر، تفسیر احسن الحدیث، قم، دفتر نشر نوید اسلام، ۱۳۹۱

۲۴. کاظمی پور، شهلا (۱۳۸۳). «تحول سن ازدواج زنان در ایران و عوامل جمعیتی مؤثر بر آن». زن در توسعه و سیاست، ۱۳۸۶

۲۵. مجتبی، جلال الدین؛ علم/اخلاق/اسلامی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات حکمت، ۱۳۷۷

۲۶. مدرس، علی اصغر، حقوق فطری یا مبانی حقوق بشر، تبریز، نوبل، ۱۳۷۵

۲۷. مرکز الثقافه و المعارف القرآنیه، علوم القرآن عند المفسرین، قم، نشر دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۴



۲۸. مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران، بانوان عالمه و آثار آنها، قم، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران، ۱۳۷۹
۲۹. مصباح یزدی، محمدتقی، نظریه حقوقی/اسلام، نگارش محمد مهدی نادری و محمد مهدی کریمی نیا، قم، مؤسسه امام خمینی، ۱۳۸۰
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، چاپ پنجم، تهران، انتشارات دارالکتاب الاسلامیه، ۱۳۷۵
۳۱. موسوی همدانی، محمد باقر، ترجمه تفسیر المیزان، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۳
۳۲. موسوی خوئی ابوالقاسم، مصباح الفقاهه فی المعاملات، به قلم میرزا محمد علی توحیدی، بیروت، دار الیهادی، ۱۴۱۲ق
۳۳. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت، دارالحیاء التراث العربی، ۱۴۱۳ق.
۳۴. نراقی، ملا احمد؛ معراج السعاده، چاپ پنجم، تهران، انتشارات هجرت، ۱۳۷۷
۳۵. هاشمی رفسنجانی، علی اکبر و محققان، فرهنگ قرآن، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۳